



اصول فقه ۴ (حلقه ثالث)

درس ۳۲

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای حمید تقی زاده سی سخت

استصحاب فرد مردد که از فروعات رکن دوم استصحاب است، موضوعی است که در این بخش از مباحث مورد بررسی قرار گرفته است. از طرفی این که منشأ رکنیت شک در بقاء، چیست؟ و از سوی دیگر آیا فرد مردد را تحت عناوین تفصیلی باید نظر کرد یا با عنوان اجمالی، ملاحظه نمود؟ موجب اختلاف نظر در استصحاب فرد مردد شده است. در مطالب پیش گفته بر این اساس که منشأ رکنیت این رکن، ظهور ادله استصحاب باشد و فرد مردد تحت عناوین تفصیلی لحاظ گردد نتیجه گرفتیم که این استصحاب محصلی ندارد و جاری نخواهد بود. در ادامه، در این درس، با لحاظ عنوان اجمالی برای فرد مردد و این که منشأ رکنیت شک در بقاء برهان باشد نه ظهور ادله، به بررسی استصحاب فرد مردد می‌پردازیم.

[و لكن الصحيح ان هذا الاستصحاب لا محصل له، لأننا حينما نلاحظ الافراد بعناوينها التفصيلية لا نجد شكاً في البقاء على كل تقدير، إذ لا يحتمل بقاء زيد بحسب الفرض] و إذا لاحظناها بعنوان إجمالي و هو عنوان الإنسان الذي دخل إلى المسجد فالشك في البقاء ثابت.

فان أريد باستصحاب الفرد المردد إثبات بقاء الفرد بعنوانه التفصيلي فهو متعذر، إذ لعل هذا الفرد هو زيد و زيد لا شك في بقائه فيكون الركن الثاني مختلفاً، و ان أريد به إثبات بقاء الفرد بعنوانه الإجمالي فالركن الثاني محفوظ و لكن الركن الرابع غير متوفر، لأن الأثر الشرعي غير مترتب بحسب الفرض على العنوان الإجمالي بل على العناوين التفصيلية للأفراد و من هنا نعرف ان عدم جريان استصحاب الفرد المردد من نتائج ركنية الشك في ال بقاء الثابتة بظهور الدليل، و لا يكفي فيه البرهان القائل بان الحكم الظاهري متقوم بالشك، إذ لا يأتى العقل عن تعبد الشارع ببقاء الفرد الواقعي مع احتمال قطعنا بخروجه.

لحاظ فرد مردد با عناوین تفصیلی (یادآوری)

در استصحاب فرد مردد، فرض کردیم که اثر شرعی مترتب بر وجود فرد بما هی فرد باشد و با عناوین تفصیلی به مسئله پرداختیم. نتیجه بحث این شد که شهید صدر (ره) فرمودند از آنجایی که با عناوین تفصیلی شک در بقاء محرز نخواهد بود، استصحاب فرد مردد، محصلی نخواهد داشت و جاری نیست.

لحاظ فرد مردد با عنوان اجمالی

در استصحاب فرد مردد به این مثال پرداختیم که شخصی وارد مسجد شده است، ولی شک داریم زید است یا خالد. اگر زید باشد، علم داریم که خارج شده است، اما اگر خالد باشد احتمال می‌دهیم که هنوز در مسجد باشد، و فرض را بر این گذاشتیم که اثر شرعی، مترتب بر وجود فرد بما هو فرد باشد. در این مثال، وجوب تصدق به دو درهم، اثر شرعی مترتب بر وجود زید بما هو زید یا خالد بما هو خالد در مسجد بود.

شهید صدر (ره) بیان فرمودند شخصی که وارد مسجد شده است، به دو شکل، می‌توان لحاظ کرد؛ به عنوان تفصیلی می‌شود او را دید و یا به عنوان اجمالی، او را لحاظ داشت. این که فرد مردد را به عنوان تفصیلی، لحاظ کنیم، مورد بحث قرار گرفت و بیان شد که مشکل از رکن دوم است. اما اگر فردی را که وارد مسجد شده است، تحت عنوان اجمالی، مستصحب قرار دهیم؛ به این بیان که می‌دانیم انسانی در مسجد بود و حالا شک داریم که انسان کلی هنوز در مسجد هست یا نه، در این مورد، مشکلی از ناحیه شک در بقاء، نداریم؛ زیرا واقعاً شک داریم که انسانی در مسجد هست یا نه؛ هرچند که این شک، ناشی از این باشد که نمی‌دانیم چه کسی وارد مسجد شده است. مشکل در این مورد فقدان رکن چهارم است؛ زیرا فرض بر این بود که اثر مترتب بر فرد بما هو فرد باشد نه عنوان اجمالی، و فرض این که وجوب تصدق، مترتب بر وجود زید یا خالد در مسجد بود، نه انسان کلی. بنابراین این فرض، اثری ندارد؛ هرچند استصحاب مشکلی ندارد.

متن عربی و نکات تطبیقی

[و لكن الصحيح ان هذا الاستصحاب لا محصل له، لأننا حينما نلاحظ الافراد بعناوينها التفصيلية لانجد شكاً في البقاء على كل تقدير، إذ لا يحتمل بقاء زيد بحسب الفرض] و إذا لاحظناها (۱) بعنوان اجمالی و هو عنوان الإنسان الذي دخل إلى المسجد فالشك في البقاء ثابت (۲).

فان أريد باستصحاب الفرد المردد إثبات بقاء الفرد بعنوانه التفصيلي فهو متعذر، إذ لعل هذا الفرد هو زيد و زيد لا شك في بقاءه فيكون الركن الثاني مختلاً، و ان أريد به إثبات بقاء الفرد بعنوانه الإجمالي (۳) فالركن الثاني محفوظ و لكن الركن الرابع غير متوفر (۴)، لأن الأثر الشرعي غير مترتب بحسب الفرض على العنوان الإجمالي بل على العناوين التفصيلية للأفراد

۱. مرجع ضمیر: افراد؛ تعبیر بهتر این است: لاحظنا الفرد الواقعي بعنوان اجمالی.

۲. یعنی: رکن دوم هست اما رکن چهارم مفقود خواهد بود.

۳. این قسم همان استصحاب کلی قسم ثانی است که بعداً خواهد آمد.

۴. یعنی: رکن چهارم که ترتب اثر شرعی است، وجود ندارد.

رکن دوم بر اساس برهان

تا اینجا سخن را بر اساس این مبنا پیش بردیم که شک در بقاء را از ظاهر دلیل استصحاب، استظهار کنیم. اما اگر دلیل رکنیت شک در بقاء، برهانی باشد که بیان می‌کرد استصحاب، حکم ظاهری است، پس باید در موضوع آن شک مآخوذ باشد، و برای این که با قاعدهٔ یقین، اشتباه نشود باید این شک را شک در بقاء فرض کرد، در این صورت مشکلی در جریان استصحاب وجود ندارد.

حقیقت امر این است که اگر شک در بقاء را از ظهور دلیل استصحاب، ثابت کنیم؛ باید شک در بقاء احراز شود؛ یعنی احراز کنیم که شک در بقاء همان فردی داریم که یقین به حدوث او داشته‌ایم، و در محل بحث، اشکال در همین بود؛ زیرا ما نمی‌دانستیم که همان فردی که یقین به حدوث او داریم در بقاء همان هم شک داریم یا نه؟ چه بسا آن فرد زید باشد و ما می‌دانیم که زید خارج شده است، پس نمی‌توانیم بگوییم که در بقاء آنچه که بدان یقین داشته‌ایم، شک داریم.

اما بنابر این که رکنیت شک در بقاء از طریق برهانی باشد که بیان می‌کرد:

۱. استصحاب حکم ظاهری است و شک نیاز دارد.

۲. قاعده یقین با استصحاب فرق دارد و شک در بقاء نیاز دارد.

اگر احتمال بدهیم فردی که در واقع، وارد شده است مشکوک البقاء است، عقلاً هیچ مانعی وجود ندارد که شارع مقدس بگوید بنا را بر فردی بگذارد که در واقع، وارد مسجد شده است و یقین به خروج او دارید. به تعبیر دیگر نمی‌توان، بنا را بر بقاء خود فردی گذاشت که یقیناً خارج شده است، بلکه بنا را بر بقاء فردی می‌گذاریم که احتمال می‌دهیم، یقین به خروج او داریم.

دو نکته

۱. برای این که حکم ظاهری بتواند دارای موضوع باشد، کوچک‌ترین شکی کافی است؛ لذا در این بحث نیز لازم نیست شک در بقاء نسبت به فردی که در واقع وارد مسجد شده است، احراز شود.

۲. به نظر شهید صدر (ره)، موضوع استصحاب جایی است که متعلق یقین و شک، ذاتاً یکی است، اما لازم نیست که تفاوت زمانی این دو را احراز کنیم. این مطلب در درس‌های بعد توضیح داده خواهند شد.

متن عربی و نکات تطبیقی

و من هنا نعرف ان عدم جریان استصحاب الفرد المردد من نتائج ركنية الشك في ال بقاء الثابتة بظهور الدليل، و لا يكفي فيه (۱) البرهان القائل بان الحكم الظاهري متقوم بالشك، إذ لا يأبى العقل عن تعبد الشارع ببقاء الفرد الواقعي مع احتمال قطعنا بخروجه.

۱. مرجع ضمیر: عدم جریان استصحاب الفرد المردد.

۱. به دو شکل، می‌توان به شخص مردد نظر کرد؛ بـعـراوـیـن تفصیلی یا به عنوان اجمالی.
۲. اگر فرد مردد را، تحت عنوان اجمالی مستصحب قرار دهیم، به این بیان که می‌دانیم انسانی در مسجد بود و حالا شک داریم که انسان کلی هنوز در مسجد هست یا نه، در این مورد مشکلی از ناحیه شک در بقاء، نداریم.
۳. در حالتی که فرد مردد را با عنوان اجمالی لحاظ می‌کنیم، مشکل ما برای استصحاب از ناحیه رکن چهارم است؛ یعنی اثر شرعی مفروض، بر آن مترتب نیست.
۴. اگر دلیل رکنیت شک در بقاء برهانی باشد که بیان می‌کرد، استصحاب حکم ظاهری است، پس باید در موضوع آن شک مأخوذ باشد، و برای این که با قاعده یقین اشتباه نشود باید این شک را شک در بقاء فرض کرد، در این صورت مشکلی در جریان استصحاب وجود ندارد.
۵. به نظر شهید صدر (ره)، موضوع استصحاب جایی است که متعلق یقین و شک، ذاتاً یکی است، اما لازم نیست که تفاوت زمانی این دو را احراز کنیم.